بد-ایدئولوژی‌ها و خوب-ایدئولوژی‌ها

لطفاً مقاله را تا آخر بخوانید

ایدئولوژی، لزوماً و ذاتاً بد نیست، گاهی ما بد-ایدئولوژی هستیم.

حمید رجایی، تابستان ۹۸

بد-ایدئولوژی‌ها و خوب-ایدئولوژی‌ها، اعم از افراد، گروه‌ها، جوامع، حکومت‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و... چند ویژگی دارند:

1. **بد-ایدئولوژی‌ها، کلّ ایدئولوژی خود را فرامباحثه‌ای می‌دانند و می‌پندارند چون اعتقادات جازم و منابع و مستنداتی در دست دارند مطلقاً نباید درباره آن بحث شود! خوب-ایدئولوژی‌ها، به ارزش‌ها باور دارند اما دانشسرا را محل همه نوع مباحثه می‌دانند و سپهر معرفت را برای هر گونه شک خوب و تحقیق و پژوهش، مناسب می‌بینند. گرفت و گیری در چرخه نخبگانی ایجاد نمی‌کنند.**

2. **بد-ایدئولوژی‌ها، از ایدئولوژی‌های خودشان فراتر می‌روند و هر طور شده و لو با سفسطه و اراجیف، راهکارها و سبک زندگی‌های گسترده‌تر از منصوصات می‌دوشند آن سان که اجتهاد و تفکر بدیل را منحرف می‌پندارند! مثلاً مبتنی بر ایدئولوژی خود، «صحت هیات بطلمیوسی»، «مقدس بودن یک ساختار و شیوهٔ قابل‌اجتهاد» و «فرابشری بودن مراد خود» را می‌دوشند و هر دیدگاه دیگر را به زمین می‌کوبند. خوب-ایدئولوژی‌ها، ایدئولوژی را حداقلی می‌کنند (فقط دایره منصوصات) و از آن اصول موضوعهٔ گرانبار نمی‌سازند، مبادا علم و معرفت دینی فلج شود. آنان به علم، تجربه، عقلانیت و اجتهاد مبنی بر اقتضائات زمان، احترام می‌گذارند و به جر منصوصات، راهکارها و راهبردها، خطمشی‌ها، گفتمان‌ها را به مباحثه می‌گذارند. کسی یا اندیشه‌ای را مطلق نمی‌کنند.**

3. **بد-ایدئولوژی‌ها، دچار بت‌های مقدس می‌شوند (چه مقدس دینی و چه اسطوره‌های فکری و هنری**

مانند فلان آوازخوان، فلان بازیگر یا فلان متفکر و...) و در چاه مریدی می‌افتند. «مقدسان و محبوبان نادان» در بین آنان رشد می‌کند. اینان باید مردم را، نفهم نگه دارند تا بمانند. به نواندیشان و افراد زیرک، لبخند نمی‌زنند و آنان را شاید در ظاهر بستایند؛ اما مرگ و خمود آنان را در دستور کار خود قرار می‌دهند. از جانب نواندیشی خوفناک‌اند. افکار و سخنانشان کلیشه‌ای و تکراری است و مخالفان را منحرف و گمراه می‌دانند و آنان را سیاه و دوزخی می‌بینند. خوب-ایدئولوژی‌ها، افراد شاخص و قهرمان (نامعصومان) را آن قدر بزرگ نمی‌بینند مبادا باب اجتهاد مسدود شود. همه را قابل نقد می‌دانند و چیزی یا کسی را چنان تقدیس نمی‌کنند که نشود او و آن را نقد کرد. در چاه مریدی نمی‌افتند؛ به بزرگان علم و اندیشه و عمل، ارادت پیدا می‌کنند و اما در علم و پژوهش، مرید کسی نمی‌شوند (تا زمانی مه مجتهد و متخصص نشده‌اند از عالمان نیک سیرت تقلید می‌کنند) اگر به مصلحت جامعه و به حکم شرع، ملتزم به اطاعت مدنی اسلامی هستند، اما خود را ذوب در کسی نمی‌دانند. ذوب‌های در نامعصومان، اشتباه-کار می‌شوند .

4. بد-ایدئولوژی‌ها، اگر حاکم شوند، مستبد و متعفن می‌شوند و اگر چه تمام شعارشان لیبرالیسم و اسلام و مسیحیت و... باشد، اما با تزویر رسانه‌ای و جادوی سینما و... آن قدر مردم را سرگرم می‌کنند تا بتوانند ایدئولوژی یا منافع خود را براحتی در آغوش بگیرند.. رسانه‌ها را بصراحت یا با هزار لطایف‌الحیل برای نفع و فکر خود منحصر می‌کنند و اگر به دیگران لطف کنند، می‌خواهند آنان را هدایت کنند. خوب-ایدئولوژی‌ها، برای تکثّر اندیشه‌ها و آزادگی انسان‌ها، احترام قائل‌اند. به محققان جهان، بدون ساده‌لوحی، خوشبین هستند و به «ذهن محترم بشری» احترام می‌گذارند. با خطاها، مانند معلم و هم‌مباحثه برخورد می‌کنند. رسانه‌ها را برای ترویج اندیشه‌های ایدئولوژیک خود، بکار می‌گیرند؛ اما آزادی بیان و تکثر اندیشه‌ای را از آن منقطع نمی‌کنند و حتماً روا می‌دانند که هر مکتب فکری متکثر درون دینی، آزادانه از رسانه‌اش در چهارچوب مصوبات مدنی، استفاده کند.

5. بد-ایدئولوژی‌ها، کارشان به نوکری دشمنان ختم می‌شود. اینان خودشان را تقدیس می‌کنند؛ اما بالاخره روزی در نهان با مخالفان معامله می‌کنند و بعید نیست کثیف‌ترین زدالت‌ها را مرتکب شوند تا وجاهت‌شان حفظ شود (مانند دولت مدعی ایدئولوژی لیبرالیسم آمریکا، که با دولت اسرائیل معامله کرده است) خوب-ایدئولوژی‌ها، در برابر دشمنان خود کوتاه نمی آیند و با آنان معاملات خفت‌بار نمی‌کنند (البته نرمش قهرمانانه دارند) اما چون برای عقلانیت و مدارا و تفکر آزاد، مجال قائل‌اند، پیوسته روزآمد می‌شوند و از دانش زمان برای رشد خود استفاده می‌کنند.

6. بد-ایدولوژی‌ها، به خطابه و داد و بیداد و تولید فیلم‌های سینماییِ مست و مسخ‌کننده و بازی با احساسات ایدئولوژیک مردم رومی‌آورند و خوب-ایدئولوژی‌ها به سخنرانی علمی، کتاب و مباحثه و میزگرد و دیالوگ و تفکر منطقی و انتقادی و مانند آن...

توجه

الف. لیبرالیسم یک ایدئولوژی است یا دستکم رفتار ایدئولوژیک دارد و البته در باطن یک بد-ایدئولوژی است. اینکه هالیوود و رسانه‌های کشورهای لیبرال، مدام بر عقل مردمان عفونت شهوت و خشم و خیال می‌پاشند به این دلیل است که ارباب قدرت می‌خواهند مردمان بیچارهٔ خود را بدوشند و نادان نگه دارند. اینان از شعار آزادی، عشق، صلح و مانند آن استفاده می‌کنند و اما بیشترین خونریزی‌ها و خودکامگی‌ها را دارند.

ب. حکومت‌های دینی هم ممکن است بد-ایدئولوژی شوند:

- **هرگاه دیدید حکومت از احساسات و شعائر دینی بیش از تفکر انتقادی و لبّ دین استفاده می کند،**
- **هر گاه دیدید حکومت دینی، از اندیشه‌های منتقدان می‌آشوبد و نقد را روا نمی‌داند و منتقدان را ترور شخصیتی می‌کند و آنان را منزوی می‌دارد.**
- **هر گاه دیدید یک حکومت دینی، فراتر از منصوصات دین را مقدس و فرامباحثه‌ای می‌داند و می‌خواهد فهم درک خود را چونان منصوصات مصون کند،**
- **هر گاه دید حکومت دینی، بر سر عقاید منصوص، معامله می‌کند، بدانید که آن حکومت در حال فساد است. بدانید که آن حکومت دینی در سرازیری بد-ایدئولوژی شدن قرار دارد.**

ج. لازم دانستن اطاعت مدنی از قانون، اطاعت از منصوصات دینی که با روشی مدنی بر سرکار آمده، کوتاه نیامدن در برابر زیاده‌خواهی دشمنان، در میدان نگه‌داشتن مردن با جنبه‌های شعائری دین، قابل مذاکره ندانستن اصول، ولایت فقیه و مانند آن، هیچ کدام از نشانگان بد-ایدئولوژی بودن نیست. یک جامعه خوب-ایدئولوژی، هم حاکم دارد و هم الزام به قانون دینیِ مدنی و هم ولایت دینی و هم امامان معصوم و گزاره های قطعی دینی. اما همه را در دانشسرا و رسانه‌ها مباحثه‌پذیر و در مقام حکومت مذاکره‌ناپذیر می‌داند.